

واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

حسین عبدالملکی^۱ * مجید سلیمانی ساسانی^۲ * احمد نادری^۳

چکیده

این مقاله در پی آن است تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش مطالعات اسنادی و روش تحلیل سند، به واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در چارچوب سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. ابتدا به مذاقه در مفهوم سیاست فرهنگی و بررسی پیوستار چهار مرحله‌ای آن پرداخته شده و سپس به تبیین دو مرحله آغازین پیوستار چهار مرحله‌ای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در حیطه مسجد (نظریه فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی) مبتنی بر اسناد؛ قانون اساسی، اصول سیاست فرهنگی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله، اندیشه‌های امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری به‌مثابه «نظریه فرهنگی» و برنامه‌های پنج‌ساله اول تا پنجم توسعه به‌منزله بعد «سیاست‌گذاری فرهنگی» می‌پردازد تا از این طریق، نوع نگاه، اهمیت و جایگاه مسجد در چارچوب سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد مختلف تبیین گردد.

واژگان کلیدی: نهاد مسجد، سیاست فرهنگی، نظریه‌پردازی فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی و اسناد بالادستی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره یازدهم • تابستان ۹۳ • صص ۳۲-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۳/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۷

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، نویسنده مسئول (abdolmaleki22@yahoo.com).
۲. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی و کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران (majsoleimani@yahoo.com).
۳. عضو هیئت علمی گروه مردم‌شناسی دانشگاه تهران (naderi@ut.ac.ir).

مقدمه

نهادمندی دیرپا، فراگیری فزاینده، وجوه کارکردی متفاوت و ساحات کارویژه‌ای گوناگون مسجد، آن را به تأثیرگذارترین نهاد مذهبی در جامعه ایرانی مبدل ساخته و موجبات نقش آفرینی آن را در زمینه‌های گوناگون در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران در دوره اسلامی را به انحاء گوناگون فراهم آورده است. طی قرون، مسجد همواره فضای عمومی مرکزی بوده است که دایره وسیعی از افراد جامعه می‌توانستند در آن جمع گردند، مناسک دینی گروهی خود را به پا دارند و درباره طیف گسترده‌ای از موضوعات شخصی و گروهی با هم تبادل نظر و اطلاعات کنند (صادقی و دریس، ۱۳۹۳: ۱۱).

در واقع، مسجد در فضای عمومی جامعه ایرانی به هیچ وجه در مقام مکانی جهت عبادت صرف پروردگار باقی نمانده و در دوره‌های تاریخی مختلف بنا بر شرایط جامعه و نیز مبتنی بر جایگاه روحانیت و نهاد مسجد در کلیت ساختار سیاسی، اجتماعی کشور در ساحات‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، آموزشی و... ورود یافته که تأثیرگذاری کارکردهای نهاد مذهبی مسجد در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی اجتماعی ایرانیان در ادوار مختلف، مانند قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوه‌رشاد (ساسان، ۱۳۸۶: ۵۸۰) و به‌ویژه خیز انقلابی بهمن ۱۳۵۷ و پیروزی آن و همچنین در دوران تثبیت جمهوری اسلامی و دوران دفاع مقدس نمود ملموس‌تری یافت. گرچه مسجد نهادی مشترک بین همه فرق و نحله‌های اسلامی است، اما ویژگی‌ها و امکانات خاص فرهنگ شیعه، جایگاه و اهمیتی مضاعف به آن بخشیده است (نظری و حسن‌پور، ۱۳۹۱: ۸۸) که اهمیت این جایگاه به سبب شیعه بودن حداکثری مردم ایران، برخی شرایط خاص اسلوب زیست دینی در جامعه ایرانی و نیز پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد حکومت اسلامی به‌منزله حکومت برآمده از این انقلاب دوچندان شده است.

واژه مسجد، برگرفته از ریشه «سَجَدَ»، دلالت بر جایگاه خاص عبادت می‌کند. بدین

معنا که نشان‌دهنده محلی خاص برای عبادت فردی روزانه - نماز - است (هیلن براند، ۱۳۷۶: ۴۵۳). این واژه در قرآن کریم ۲۸ به کار رفته است. در قلمرو مفاهیم قرآنی، مسجد اصطلاحی قرآنی است و به مکانی گفته می‌شود که خداوند در آن پرستش می‌شود (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۶). با شکل‌گیری حکومت اسلامی و به تبع آن، تأسیس اولین مسجد در مدینه‌النبی (مسجد قبا)، این نهاد مذهبی ضمن اهمیت فزاینده در کلیت ساختار جامعه نبوی، دربرگیرنده مجموعه‌ای از کارکردها در ابعاد مختلف شد و علاوه بر کارکرد عبادی و معنوی، مجموعه‌ای از کارویژه‌های دیگر، همچون کانون فعالیت‌های علمی و فرهنگی، مرکز تصمیم‌گیری‌های سیاسی و حکومتی، دادگستری و مرجع حل و فصل دعاوی، مقر فرماندهی و بسیج نیروهای نظامی، ارائه خدمات پزشکی، مرکز اطلاع‌رسانی و مرکز حل مشکلات اجتماعی (جوان آراسته، ۱۳۸۶: ۱۳۸) را عهده‌دار شد.

در واقع، در قاموس اسلام، نسبت بین مسلمان و مسجد به گونه‌ای تعریف شده است که مسلمانان در تماس و ارتباط دائمی با مسجد هستند، در صورتی که مسیحی می‌تواند کلیسا را حاشیه‌ای بسیار فرعی از زندگی خویش تلقی کند (محمدی، بی تا: ۲۶۴). از سوی دیگر، عبادت در نگاه مسلمانان به اعمال خاص مذهبی محدود نمی‌شود و هر عملی که با نیت خدایی و به قصد قربت به او انجام شود، عبادت محسوب می‌شود. از این رو، ظرفیت دربرگیری کارکردهای دیگر غیر از کارکرد عبادی و معنوی در مسجد وجود دارد (همان: ۲۶۴).

بنابراین، قرارگیری مجموعه‌ای از کارکردهای دیگر در کنار کارویژه اصلی مسجد به سبب نوع پردازش مفهوم عدالت در قاموس اسلام، جزئی لاینفک از وجوه کارکردی این نهاد مذهبی گردید. چنانکه مجموعه‌ای از کارکردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، آموزشی و... در کنار کارکرد اصلی مسجد (عبادی - معنوی) در طول تاریخ حیات این نهاد مذهبی و در جوامع مختلف برای آن وجود داشته که در عین وجود اشتراکاتی کارکردی میان مساجد مختلف مبتنی بر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه و دوره تاریخی مختص به آن برخی کارویژه‌ها تغییر پیدا کرده و یا نسبت به سایر ابعاد، اولویت و تبلور بیشتری یافته‌اند. به طوری که در میانه دهه پنجاه شمسی، نزدیک به ده هزار مسجد ثبت شده در سراسر ایران وجود داشت که گسترده‌ترین شبکه اجتماعی سازمان یافته در درون کشور را تشکیل می‌دادند. از این منظر، نهاد مسجد بخش اصلی

فضای عمومی جامعه ایرانی را تشکیل می‌داد (صادقی و دریس، ۱۳۹۳: ۱۴) و در کنار دارا بودن کارکردهای رسانه‌ای - ارتباطی، نقش حلقه واسط میان روحانیت و اقشار مختلف مردم را ایفا کرده و در کنار کارکرد سیاسی و بسیج عمومی مردم در ایجاد چارچوب معنایی جنبش اعتراضی جامعه ایران علیه حکومت وقت و به تبع آن پیروزی انقلاب اسلامی نقش مهمی بازی کرده است.

در این میان، با پیروزی انقلاب و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی، کارکردهای معطوف به تثبیت حکومت و کارکردهای آموزشی - عقیدتی در نهاد مذهبی مسجد اولویت بیشتری یافت و در دوران دفاع مقدس به عقبه جبهه جنگ تبدیل شد. از سوی دیگر، با توجه به اولویت ابعاد فرهنگی انقلاب اسلامی و شدت تهاجم فرهنگی غرب، نهاد مسجد به مثابه تأثیرگذارترین نهاد مذهبی در فضای عمومی جامعه دارای اهمیت فزاینده‌ای است. چرخش قابل ملاحظه به سمت فرهنگ (صالحی‌امیری، ۱۳۸۷) در بعد نظری و تعیین بخشی فرهنگ به سایر ابعاد زندگی انسان (آزاد ارمکی و منوری، ۱۳۸۹: ۴۸) اهمیت مسجد را دوچندان مبرهن می‌سازد.

به طور کلی، برگزاری مراسم مذهبی، کمک به امور خیریه و آموزشی در مناطق محروم، تنویر افکار عمومی، بسیج مردم، تقویت وجدان جمعی، تبلیغ ارزش‌های گروهی، پاسداری از کنش‌های دینی و سنتی، ایجاد و تقویت شبکه‌های اجتماعی غیررسمی (McDaniel, 1991: 45) شکل بخشی هویت‌های جمعی مسلمانان، شکل‌دهی و بازتولید به هویت مذهبی مشترک، ایجاد انسجام و همبستگی اجتماعی، کمک در جامعه‌پذیری، نقش آفرینی در انتقال موارث و ارزش‌های فرهنگی، بسترسازی جهت عمومیت‌یابی فرهنگ شورا، ایجاد روح تعاون و همکاری، تقویت و قوام بخشی به حوزه عمومی، افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی، مقاوم‌سازی ابعاد فرهنگی - ارزشی جامعه، آگاهی بخشی به افراد نسبت به تهاجمات فرهنگی و... از زمره مهم‌ترین کارکردهای فرهنگی - اجتماعی مسجد به شمار می‌آید. از این رو، طبعاً توجه به ابعاد فرهنگی - اجتماعی نهاد مسجد و اتخاذ رویکرد سیاستی نسبت به آن بسیار ضروری و حیاتی می‌نماید. در این مقاله، نوع نگاه به نهاد مذهبی مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران واکاوی می‌شود تا از این راه، جایگاه این نهاد در چارچوب سیاست‌های فرهنگی و میزان توجه به آن در ابعاد گوناگون مشخص شود.

۱. روش‌شناسی

در این مقاله سعی بر آن است تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از روش مطالعات اسنادی و روش تحلیل سند، به واکاوی نوع نگاه به نهاد مذهبی مسجد در چارچوب سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. از این رو، ابتدا به مذاقه در مفهوم سیاست فرهنگی و بررسی پیوستار چهارمرحله‌ای آن (نظریه فرهنگی، سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی و مدیریت فرهنگی) پرداخته می‌شود و از آنجا که این پژوهش، بر بُعد نظری و کلان نوع نگاه به مسجد در سیاست فرهنگی تأکید می‌کند، به تبیین دو مرحله آغازین پیوستار چهار مرحله‌ای سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در حیطه مسجد (نظریه فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی) می‌پردازد. بنابراین به بررسی نوع نگاه به مسجد در اسنادی همچون؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران و اندیشه‌های رهبری حکومت جمهوری اسلامی (امام خمینی^(ره)) و مقام معظم رهبری) به مثابه «نظریه فرهنگی» و برنامه‌های پنج‌ساله اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌منزله بعد «سیاست‌گذاری فرهنگی» به‌اختصار پرداخته می‌شود تا از این راه نوع نگاه، اهمیت و جایگاه مسجد در چارچوب سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در ابعاد مختلف آن تبیین گردد.

۲. مبانی نظری: سیاست فرهنگی و پیوستار چهار مرحله‌ای

سیاست‌های فرهنگی در جوامعی مانند ایران که به دنبال ایده و آرمان والا و حفظ فرهنگ ارزشی و مورد تأیید نظام هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱: ۵۸). سیاست‌های فرهنگی، مجموعه تصمیمات کلان و چارچوب‌های قانونی خاصی هستند که حکومت‌ها برای حفظ و استقرار شرایط فرهنگی - اجتماعی مطلوب و مناسب برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود در جامعه اتخاذ می‌کنند (اشتریان، ۱۳۹۱: ۳۲) و به عبارتی، ناظر به «پویایی نظام» جامعه هستند که در قالب راهبردهایی فرهنگی، جامعه و تمدن را به سوی شرایط مطلوب و راه صواب هدایت می‌کنند (توکلی، ۱۳۸۷). آگوستین جیرارد سیاست فرهنگی را نظامی از اهداف غایی، مقاصد عملی و شیوه‌هایی می‌داند که

1. <http://www.rasekhoon.net/article/show/126315>

توسط یک گروه دنبال می‌شود و به وسیله یک سازمان اعمال می‌گردد (Girard, 1983: 171-2). چنانکه فرهنگ یک امر فراگیر است، سیاست فرهنگی نیز مرکب از یک رشته اقداماتی است که برای توسعه زندگی فرهنگی انجام می‌شود.

سیاست فرهنگی را می‌توان در یک پیوستار چهار مرحله‌ای تبیین کرد، پیوستاری که از نظری‌ترین تا بنیادی‌ترین سطح تا عملیاتی‌ترین و اجرایی‌ترین سطح فراگرد یک سیاست فرهنگی را در بر گرفته و عبارت است از: ۱. نظریه‌پردازی فرهنگی، ۲. سیاست‌گذاری فرهنگی، ۳. برنامه‌ریزی فرهنگی و ۴. مدیریت فرهنگی (صالحی‌امیری و دیگران، ۱۳۸۹: ۸). در واقع، تدوین و طراحی هر برنامه یا سیاست فرهنگی منوط به وجود یک نظریه مدون در زمینه مورد نظر جهت نشان دادن نقطه ایده‌آل و آرمانی و بایسته‌های مترتب بر آن و نیز اصول و بایسته‌های بنیادین چگونگی حرکت به سوی آن (نظریه فرهنگی) در وهله اول و در گام بعد، ترسیم خط‌مشی‌ها و راهبردهای لازم و همچنین ارائه سیاست‌ها در جهت نیل به نقطه ایده‌آل مفهوم‌بندی شده در نظریه (سیاست‌گذاری فرهنگی) است و در مرحله بعد، عملیاتی‌سازی این راهبردها و آماده‌سازی آنها برای اجرا، بر اساس یک برنامه مدون و هدف‌گذاری شده (برنامه‌ریزی فرهنگی) و در گام پایانی اجرای صحیح، جامع و منظم راهبردهای عملیاتی شده (مدیریت فرهنگی) است (عبدالملکی، ۱۳۹۲: ۱۶۲).

از این منظر، نظریه فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی (مرحله اول و دوم این پیوستار) ناظر به بُعد نظری و کلان سیاست فرهنگی و برنامه‌ریزی فرهنگی (مرحله سوم) ناظر به شاخص‌سازی و عملیاتی‌سازی سیاست‌های کلان و تعیین شاخص‌های عملی و مدیریت فرهنگی (بُعد چهارم) نیز ناظر به مرحله اجرا است. از آنجا که زاویه دید این پژوهش ناظر به بُعد کلان و نظری مسئله است، نحوه عملیاتی‌سازی و سنجش عینی و ملموس سیاست‌ها و نحوه اجرای آنها در حیطه این پژوهش نمی‌گنجد.

سیاست فرهنگی یک نظام را می‌توان به دو صورت مورد ارزیابی قرارداد: گونه اول بر اساس مطالعه مدل فرهنگی، اهداف فرهنگی و منابع فرهنگی است که همه با هم سیاست فرهنگی را شکل می‌دهند. مدل دیگر، بررسی سیاست‌های مدون فرهنگی (عسگری، ۱۳۸۸) و یا به عبارتی، اسناد رسمی فرهنگی کشور است. اسناد رسمی جمهوری اسلامی خود مبین سیاست‌های فرهنگی آن است. این اسناد را می‌توان در قرائتی در قالب دو دسته طبقه‌بندی کرد: نخست آن دسته از اسنادی که ثابت و تغییرناپذیرند و جابجایی در

کارگزاران فرهنگی، دگرگونی در آنها ایجاد نمی‌کند؛ مانند قانون اساسی، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی و سند چشم‌انداز و دوم، اسنادی که با تغییر در کارگزاران فرهنگی، به تبع تغییر در دولت‌ها و قدرت‌های سیاسی، تغییر می‌کنند، مانند بخش فرهنگی برنامه‌های توسعه اول تا پنجم. در واقع، اسناد ثابت فرهنگی در جمهوری اسلامی، منعکس‌کننده نظریه فرهنگی در سیاست فرهنگی هستند و اسناد تغییرپذیر (مقطعی) بازنمایاننده سیاست‌گذاری فرهنگی در سیاست فرهنگی هستند (صدیق سروستانی و زائری، ۱۳۸۹: ۱۹).

۳. نهاد مسجد و سیاست فرهنگی

بر اساس آنچه در بخش پیش ذکر شد، برای «واکاوی نوع نگاه به نهاد مسجد در سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی» در بُعد نظریه‌پردازی فرهنگی به اسناد ثابت فرهنگی (قانون اساسی، اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی و سند چشم‌انداز) و نیز اندیشه‌های امام راحل^(ره) و مقام معظم رهبری در زمینه مسجد و در بُعد سیاست‌گذاری فرهنگی، به اسناد رسمی متغیر (بخش فرهنگی برنامه‌های توسعه اول تا پنجم) رجوع می‌شود. اصولاً نگاه به مسجد به مثابه یک نهاد فرهنگی از صدر اسلام مورد توجه قرار گرفته است و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی مسلمانان در مسجد انجام می‌گرفت. به‌طور کلی، پایگاه فرهنگی جهان اسلام از مساجد شکل گرفته است (عباسی الف، ۱۳۸۷: ۳۸۲). پیامبر اسلام^(ص) محیط مسجد را کاملاً فرهنگی می‌دانستند، تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان برخی مسابقات برگزار می‌شد (موظف رستمی، ۱۳۸۱، ۲۸-۲۷).

در واقع، مسجد به‌عنوان مرکز فرهنگ‌سازی اسلامی و نهاد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در تمام زمینه‌ها، به‌صورت محسوس و نامحسوس در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی نقش بسزایی ایفا می‌کند (مجیری و لمسه‌چی، ۱۳۹۱: ۲).

در این میان، نگاهی گذرا به سیاست‌های فرهنگی قبل از انقلاب اسلامی، بیانگر آن است که نوع نگاه به جایگاه مسجد در قاموس سیاست فرهنگی حکومت پهلوی، نگاهی

1. <http://www.masjed.ir/fa/article/3>

سلبی و تضعیفی است و این حکومت، تلاش زیادی در به حاشیه راندن مسجد، به ویژه در اشکال غیرمستقیم داشته است. این امر پس از اتخاذ اصول سیاست فرهنگی نیز کاملاً مبرهن است، به طوری که شورای عالی فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۷، اصول سیاست فرهنگی کشور را مبتنی بر چهار اصل «فرهنگ برای همه»، «توجه به میراث فرهنگی»، «فراهم کردن بیشترین امکانات برای ابداع، نوآوری فکری، هنری و شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان» و «آگاهی از مظاهر فرهنگ‌های دیگر» (شکیبانی، ۱۳۸۵؛ اکبری، ۱۳۸۱) ذکر کرده که در آن هیچ اشاره‌ای به نهاد دین و ارزش‌های دینی نشده است. در حالی که نهاد دین و ارزش‌ها و هنجارهای معطوف به آن بخش قابل توجهی از ابعاد هویتی و فرهنگی جامعه ایرانی را شکل می‌داد.

نهاد مسجد، علی‌رغم رویکرد سلبی - تضعیفی سیاست‌های فرهنگی نظام شاهنشاهی، به سبب آنکه در متن جامعه ایرانی قرار داشت و نهادی دیرپا محسوب می‌شد، در پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ نقش مهمی ایفا کرد، چنانکه بر اهمیت روزافزون و وجوه کارکردی مختلف آن به انحاء مختلف تأکید شد. در این صورت است که حضور مردم در مساجد، نه تنها برای دفاع از آرمان‌های حکومت، بلکه به مثابه نوعی هدف فرهنگی برای جمهوری اسلامی تلقی می‌شود (فاضلی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

۴. نظریه پردازی فرهنگی معطوف به مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی

به طور کلی واکاوی نظریه فرهنگی هر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی به طور عام و به تبع آن موضوع این پژوهش (نهاد مسجد) از طریق واکاوی نظام اندیشگانی انقلاب اسلامی و اندیشه رهبران این انقلاب و نوع نگاه آنان به موضوع بحث و نیز بررسی اسناد فرهنگی تغییرناپذیر نظام امکان پذیر است. در این راستا به بررسی اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بخش‌های فرهنگی قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و نیز دیدگاه امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری در زمینه نهاد مسجد به گونه‌ای اجمالی می‌پردازیم.

۴-۱. قانون اساسی و نهاد مسجد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شامل مقدمه، ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل است که در

برخی اصول ۱ تا ۳۰ به مسائل فرهنگی می‌پردازد (آزاد ارمکی و منوری، ۱۳۹۱: ۱۱). در اصل قانون اساسی به‌طور مستقیم هیچ اشاره‌ای به نهاد مسجد نشده و تنها در بخش مقدمه آن و در بیان آغاز شکل‌گیری نهضت ضد استبدادی در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، به نقش مساجد در افزایش آگاهی و عزم ملت ایران در مبارزه با استبداد تأکید شده و آمده است که «قشر آگاه و مسئول جامعه در سنگر مسجد، حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری» پرداخته است.

همچنین اشاراتی ضمنی و غیرمستقیم نیز به نهاد مسجد در قانون اساسی وجود دارد. در اصل سوم، دولت موظف شده است به منظور تحقق اهداف مندرج در اصل دوم قانون اساسی که مبتنی بر آن، «جمهوری اسلامی بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل، کرامت انسانی، اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط و... شکل گرفته است»، همه امکانات خود را به کار بندد. با این وجود می‌توان از اصل سوم قانون اساسی به‌صورت ضمنی و تلویحی به تکلیف دولت در به کار بردن همه امکانات خود جهت برپایی و رونق امور مساجد پی برد. بدیهی است که یکی از محیط‌های مناسب جهت رشد فضایل اخلاقی مردم، مبارزه با مظاهر فساد و تباهی و ایجاد مودت، تعاون عمومی و برادری اسلامی، مساجد هستند (قانون اساسی، ۱۳۷۵). بنابراین شایسته بود که نهاد مسجد و امور آن بیشتر در قانون اساسی مورد توجه واقع می‌شد، هرچند که کلیت فضای گفتمانی حاکم بر قانون اساسی، مبین اهمیت مسجد و اتخاذ رویکردی ایجابی - تأکیدی در بخش فرهنگی نسبت به آن است (حاج علی‌اکبری، ۱۳۹۲).

۲-۴. نهاد مسجد و اصول سیاست فرهنگی

در اولین دهه از حیات انقلاب اسلامی، مسائل و پیش‌آمدهای مربوط به سال‌های اول انقلاب و بعد از آن جنگ تحمیلی مانع از آن شده است که برنامه‌ای مدون برای سیاست‌گذاری فرهنگی تدوین شود (اجلالی، ۱۳۷۶: ۸۹). اولین سند مکتوب در زمینه سیاست‌گذاری فرهنگی، اصول سیاست فرهنگی کشور است که آن را شورای فرهنگ عمومی تهیه کرده و در جلسه ۲۸۸ مورخ ۱۳۷۱/۵/۲۰ با اصلاحاتی به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید (قربانی، ۱۳۸۳).

نگاهی گذرا به کلیت بخش‌های اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که رشد و تعالی فرهنگ اسلامی انسانی، حفظ و اشاعه آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی و فضائل اخلاقی و بسط پیام انقلاب اسلامی در بطن و متن جامعه از جمله مهم‌ترین اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی و به تبع آن اهداف سیاست فرهنگی به شمار می‌رود که در این راستا مسجد می‌تواند یکی از تأثیرگذارترین نهادها در نیل به این اهداف باشد. در اصول سیاست فرهنگی، چه به صورت ضمنی و چه به صورت مستقیم، به نهاد مسجد اشاره شده است.

«بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری و فرهنگ عمومی و نگاهبانی از مآثر و موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیای دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام در ایران» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۱) نخستین گزاره از اصول سیاست فرهنگی است که به صورت ضمنی به نهاد مسجد ارتباط دارد. بدون تردید، یکی از مصادیق موارث و سنن تاریخی و ملی در زمینه دینی، نهاد «مسجد» است. همچنین، گزاره‌های «افزایش امکانات فرهنگی و هنری مناسب در مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، انجمن‌ها و دفاتر و مراکز فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی به معنای اخص» و «حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری مراکز مذهبی و تبلیغی در جهت سیاست فرهنگی کشور و افزایش میزان بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌ها و امکانات موجود آنها» (همان)، به گونه‌ای مستقیم به افزایش امکانات فرهنگی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و هنری نهاد مسجد در جهت بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌ها و امکانات آن در زمینه سیاست فرهنگی کشور اشاره کرده که مبین نمود کانونی کارکردهای فرهنگی این نهاد مذهبی است.

۳-۴. نهاد مسجد و سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴

سند چشم‌انداز جهت‌گیری خرد و کلان کشور را در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و دفاعی در برمی‌گیرد و نه فقط به پیش‌بینی آینده، بلکه به خلق آینده‌ای مطلوب و مناسب می‌نگرد (فرمی‌هنی‌فراهانی، ۱۳۸۷). «مبتنی بر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، تا سال ۱۴۰۴، ایران کشوری است توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل

سازنده در روابط بین‌الملل» و «جامعه ایرانی نیز جامعه‌ای است، توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود، متکی بر اصول و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی و...» (سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ۱۳۸۲).

در این سند به سبب راهبردی بودن و تعیین خط‌مشی کلی نظام اشاره‌ای به نهاد مسجد نشده است، اما در الزامات فرهنگی سند چشم‌انداز بر کانونی بودن این نهاد مذهبی و کارکردهای فرهنگی آن تأکید شده و آمده است: «احیای مراکز فرهنگی و مساجد، سالم‌سازی فضاهای فرهنگی، ایجاد هماهنگی مراکز مختلف فرهنگی و توجه خاص به نهادهای اجتماعی و...» (همان).

ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله، موجبات دو تحول مهم در زمینه اهمیت‌یابی نهاد مسجد و وجوه کارکردی آن را فراهم آورد که در این راستا، هر یک از دستگاه‌های کشور به فراخور مأموریت‌ها و وظایف خود، اقدام به تهیه سند راهبردی و تعیین خط‌مشی‌های درون‌مختص به خود مبتنی بر سند چشم‌انداز کردند که در برخی از این اسناد، به نقش کانونی نهاد مسجد در ابعاد مختلف و لزوم توجه به آن به‌ویژه در ابعاد فرهنگی تأکید شده است.

از سوی دیگر، مبتنی بر سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴، سند چشم‌انداز مساجد نیز ترسیم شده که در صورت عملیاتی شدن گزاره‌های این سند و اجرایی شدن جامع آن تحولی اساسی در نهاد مسجد و نوع تأثیرگذاری آن در جامعه و به‌ویژه در بخش فرهنگ ایجاد خواهد شد. بر اساس این سند، مسجد ۱۴۰۴ «نهادی است فعال، اثرگذار، مسئولیت‌پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی، برخوردار از روحیه تعاون، سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد، توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی، با بهره‌مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه‌های فرهنگی، اجرایی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی بر اساس تعالیم عالی‌ه اسلام و اندیشه‌های گوهربار امام^(ره)، رهنمودهای مقام معظم رهبری در جهت تربیت و هویت اسلامی انقلابی، وحدت ملی، الهام‌بخش، مؤثر برای جهان معاصر به‌ویژه کشورهای اسلامی» (عباسی ب، ۱۳۸۷).

۴-۴. نهاد مسجد و نظام اندیشگانی رهبری انقلاب اسلامی: دیدگاه امام خمینی^(ره)

و مقام معظم رهبری

واکاوی جایگاه، اهمیت، کارکردها و میزان تأثیرگذاری و به عبارتی، بازشناسی کلیت دستگاه فکری امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری در نوع نگاه به نهاد مسجد، در کنار موارد استخراج شده از اسناد پیش گفته، می‌تواند در فهم گزاره‌های بُعد نظریه‌پردازی فرهنگی در سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در زمینه نوع نگاه نظری به مسجد بسیار راهگشا باشد.

در این زمینه، امام خمینی^(ره) ضمن تبیین وجوه کارکردی مسجد و تأکید بر کارکردهای گوناگون آن در زمینه‌های مختلف چون قضاوت، بسیج عمومی، تبلیغ دین، کارکردهای نظامی و... با اتکا به خصائص مسجد صدر اسلام و زمان پیامبر^(ص) بر سنگر قرار دادن مسجد تأکید می‌کردند (امام خمینی^(ره)، ج ۱۵: ۵۸؛ ج ۷: ۶۵). ایشان در موازات تذکر مکرر نقش آفرینی قانونی نهاد مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی، لزوم استمرار قانونی شدن این نهاد در شئون مختلف حیات انقلاب اسلامی را مورد تأکید قرار داده و بر این باورند که «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره بشود و این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد» (امام خمینی^(ره)، ج ۱۲: ۲۳۰).

در واقع به‌زعم ایشان، مسجد و اداره آن جزئی لاینفک از کیان انقلاب و اسلام بوده و به عبارتی، ایشان پیروزی انقلاب اسلامی را متضمن و هم پیوند با اداره مسجد می‌دانند. در نظام اندیشگانی امام خمینی^(ره)، نهاد مسجد به مثابه مرکز ستاد اسلام نیز شمرده می‌شود و قوام این نهاد را مایه عدم هراس از دشمنان غرب و شرق ایران و اسلام (آمریکا و شوروی) تلقی می‌شود: «آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت کنید به اسلام، پشت کنید به مسجد» (همان: ۲۳۴).

مقام معظم رهبری نیز شروع آغاز حرکت انقلابی مردم ایران را از مساجد می‌دانند: «انقلاب از مساجد شروع شد؛ امروز هم در هنگامی که حرکت و بسیج مردم مطرح می‌شود - چه سیاسی و چه نظامی - باز مساجد کانونند؛ این برکت مساجد است» (۱۳۸۸/۱۲/۱۴). ایشان با اشاره به مسجد به‌عنوان «مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در

1. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2604>

دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام» (۱۳۸۹/۷/۱۸) آن را کانون دین دانسته و ضمن انگارش آن به مثابه نهادی چند ساحتی و با کارویژه‌های گوناگون می‌فرماید: «مسجد فقط جای اقامه چند رکعت نماز نیست. ملت ایران باید مساجد را معتنم بشمارند و پایگاه معرفت و روشن‌بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند» (۱۳۷۰/۱۲/۱۴).^۱

مقام معظم رهبری در جهت جذب حداکثری و ارتباط تنگاتنگ مسجد با لایه‌های مختلف جامعه و استفاده از تمامی ظرفیت‌های مسجد، بر این اعتقادند که «مساجد، جایگاه ارتباط انسان با پروردگار و از جمله مراکز تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی است. باید با برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از ابزارهای فرهنگی، هنری، عمران معنوی مساجد را تقویت کرد و از ظرفیت شوق‌آوری و شورآفرینی مساجد برای جذب قشرهای مختلف مردم و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، بهره‌گیری کامل کرد» (۱۳۸۴/۵/۳۰).^۲

۵. سیاست‌گذاری فرهنگی معطوف به مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی

در این بخش جهت واکاوی بُعد سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه نوع نگاه به نهاد مسجد، در قالب پیوستار چهار مرحله‌ای سیاست فرهنگی و به‌منزله مرحله دوم این پیوستار، به بررسی اسناد بالادستی متغیر جمهوری اسلامی (برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اول تا پنجم) پرداخته می‌شود.

۵-۱. نهاد مسجد و برنامه پنج‌ساله اول

پس از پایان جنگ تحمیلی، امکان تدوین یک راهبرد برنامه‌مند، جامع و مدون در ابعاد مختلف فراهم شد. بنابراین برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۶۸-۱۳۷۲) تدوین شد. این برنامه، به سبب مسائل و آسیب‌های جنگ و خرابی‌ها و تبعات ناشی از آن و مشکلات اقتصادی، بیشتر ناظر به بازسازی و نوسازی و مسائل اقتصادی بوده و توجه به فرهنگ در آن کم‌رنگ‌تر است (برنامه اول توسعه، ۱۳۶۸). هرچند در واقع، بخش

1. <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=7339>

2. <http://www.leader.ir/langs/fa/index.php?p=bayanat&id=657>

3. <http://www.leader.ir/langs/fa/?p=contentShow&id=2780>

فرهنگ این برنامه، نخستین سندی است که به امر فرهنگ و اتخاذ رویکرد سیاستی نسبت به آن به شکلی برنامه‌ریزی شده و هدفمند پس از پیروزی انقلاب اسلامی توجه دارد. بندهای فرهنگی این برنامه بیشتر ناظر به اهداف و سیاست‌گذاری‌های کلان، کلی و مبهم است و هرچند با نگاهی تفسیری می‌توان اشاره‌هایی ضمنی به نهاد مسجد در آن سراغ کرد، هیچ اشاره مستقیم و یا حتی اشاره قوی ضمنی به نهاد مسجد و جایگاه آن در اهداف فرهنگی طرح شده در این برنامه وجود ندارد. اما در کنار عدم توجه شایسته و بایسته به جایگاه و اهمیت مسجد در اهداف فرهنگی کشور در برنامه اول توسعه، در سال نخست این برنامه (۱۳۶۸) مقام معظم رهبری، جهت سامان‌دهی به امور مساجد، آیت‌الله مهدوی کنی را مأمور تشکیل مرکزی برای رسیدگی به امور مساجد کردند (شایگان، ۱۳۸۹: ۱۵).

۲-۵. نهاد مسجد و برنامه پنج‌ساله دوم

فاصله‌گیری از دوران جنگ تحمیلی و در جریان افتادن بازسازی خرابی‌های ناشی از آن از یک سو و مواجهه با مقوله تهاجم فرهنگی از سوی دیگر، مقارن با اتمام دوره نخستین برنامه پنج‌ساله و تدوین دومین برنامه توسعه فرهنگی کشور (۱۳۷۳-۱۳۷۸) شد. از جمله نکات مورد تأکید در این برنامه می‌توان به ترسیم خط‌مشی‌های کلی و تأکید بر آموزش‌های اخلاقی، معنوی، اعتقادات، علوم و فنون و پرورش روحیه مسئولیت‌پذیری، صرفه‌جویی، سازمان‌دهی و هماهنگی اشاره کرد. اگرچه در الگوها و راهبردها مشابه برنامه پیشین بود، اما تغییرات عمده‌ای در هدف‌گذاری‌های کلان آن به وجود آمد (مهدی‌پور، ۱۳۹۳: ۷) که توجه بیشتر به ساحت فرهنگ نسبت به برنامه اول توسعه در آن مبرهن است. در این برنامه بر اهمیت نهاد مسجد و کارکردها و ظرفیت‌های آن در قیاس با برنامه پیشین بیشتر تأکید شده و در کنار وجود اشارات ضمنی به این نهاد مذهبی، به صورت مستقیم موضوع دو بند از تبصره‌ها و اهداف کلان برنامه دوم توسعه است. در حالی که در برنامه اول هیچ اشاره مستقیمی به نهاد مسجد وجود ندارد.

در تبصره ۶۰ برنامه دوم توسعه دولت موظف به فراهم‌سازی امکاناتی جهت «پربار کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و بالندگی نسل جوان کشور» شده که بند ل این تبصره به «توسعه و تجهیز کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد» (برنامه دوم توسعه، ۱۳۷۴) اختصاص یافته است. همچنین به «توجه به سازمان‌دهی و توسعه فعالیت مساجد به‌عنوان

پایگاه‌های رشد فضائل اخلاقی و ارزش‌های معنوی» به منزله یکی از خط‌مشی‌های اساسی نیل به «رشد فضائل بر اساس اخلاق اسلامی و ارتقای کمی و کیفی فرهنگ عمومی جامعه» (همان) - از اهداف کلان کیفی برنامه دوم توسعه است - تأکید شده است. این بند ناظر به قائل شدن کارکردی دینی - معنوی - فرهنگی برای مسجد بوده و مبین تأکید بر داشتن نگاهی چندساحتی نسبت به این نهاد مذهبی از سوی قانون‌گذار است.

۳-۵. نهاد مسجد و برنامه پنج‌ساله سوم

در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ساختار برنامه‌ریزی تغییر پیدا کرده و شکلی متفاوت از برنامه اول و دوم توسعه به خود گرفته است. این برنامه مبنای اصلی خود را بر اصلاح نظام مدیریتی و نهادسازی گذاشته است (بیات و جانباز، ۱۳۹۰: ۵۷). در بخش دوم فصل ۲۱ این برنامه، تحت عنوان «فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی» به ساحت فرهنگ و امور مترتب بر آن اشاره می‌شود. در این برنامه برای نخستین بار در یک ماده کامل (ماده ۱۶۳) به نهاد مسجد پرداخته شده که در ذیل فصل مربوط به فرهنگ قرار دارد.

ماده ۱۶۳ دستگاه‌های اجرایی مختلف را با توجه به اهمیت گسترش فضاهاى مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی، ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، موظف به انجام اقداماتی می‌کند: «وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و سایر ارگان‌های مربوطه موظفند طرح‌های خود را با محوریت مساجد تهیه و اجرا نموده و در کلیه شهرک‌های جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج پیش‌بینی نموده و پس از آماده‌سازی و بدون اخذ هزینه در اختیار متقاضیان این امر قرار دهند.» «وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت موظفند به منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی، از محل اعتبارات خود نسبت به احداث، نگهداری و مدیریت مسجد و یا نمازخانه، در پایانه‌های مسافری و پمپ‌بنزین‌های بین‌شهری اقدام کنند.» «وزارت امور اقتصادی و دارایی باید کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاهاى مذهبی را به‌عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.»

«شهرداری‌ها و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظفند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.» همچنین بر اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی محلات، روستاها و شهرها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های گروه‌های مختلف جامعه، به‌ویژه نوجوانان و جوانان از طریق «حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهش‌های کاربردی و تعریف فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه» تأکید می‌شود و در این صورت «سازمان تبلیغات اسلامی موظف است در سال اول برنامه طرحی را جهت ساماندهی نحوه اختصاص و مصرف منابع اعتباری دولت در زمینه احیا و بازسازی مساجد، کمک به مراکز تحقیقاتی حوزه‌های علمی، فعالیت‌های مربوط به تبلیغات دینی و با هدف تقویت و متناسب کردن مشارکت‌های مردمی در تأمین منابع این فعالیت‌ها، تدوین کرده تا پس از بررسی و تصویب، مبنای پیش‌بینی و مصرف منابع دولتی در این امور قرار گیرد». همچنین بر اساس تبصره این ماده، «دولت موظف است در مناطق روستایی در صورت پنجاه درصد خودیاری مردم برای احداث مسجد پنجاه درصد باقی‌مانده را تأمین نماید» (برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۹).

هرچند اختصاص یک ماده از فصل ۲۱ برنامه سوم توسعه (فرهنگ و هنر، ارتباطات جمعی و تربیت بدنی) نشان‌دهنده سیر تکاملی اهمیت‌یابی نهاد مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی است و از این منظر، نقطه عطفی در این زمینه به شمار می‌رود، اما از منظر دیگر، باید به این مسئله توجه داشت که اختصاص یک ماده مجزا و مستقل از برنامه سیاستی کلان کشور به نهاد مسجد به مثابه یکی از مهم‌ترین عناصر در پیروزی انقلاب و مرکز ستاد اسلام، به‌زعم امام خمینی^(ره) و اصلی‌ترین پایگاه دین، معنویت و اخلاق به‌زعم مقام معظم رهبری و نماد کالبدی اسلام و به عبارتی، مهم‌ترین سمبل مادی فرهنگ اسلامی پس از گذشت بیش از دو دهه از حیات انقلاب اسلامی بسیار قابل اعتنا و تأمل بوده و نشان‌دهنده کم‌توجهی و سهل‌انگاری نسبت به این نهاد چندساحتی و پرطرفیت اسلامی و انقلابی است.

از سوی دیگر، تأملی در این ماده نیز ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که قریب به اتفاق بندهای آن ناظر به اشاعه کمی و ابعاد کالبدی نهاد مسجد (احداث، تعمیر،

نگهداری و مدیریت) بوده و توجه چندانی به استفاده از ظرفیت‌های حداکثری، ارتقای ضریب نفوذ، تأثیرگذاری در تعالی و سالم‌سازی ابعاد مختلف فرهنگی، توجه به وجوه کارکردی گوناگون، بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی و... این نهاد مذهبی نمی‌شود. تنها بند این ماده که به‌طور مستقیم چندان به اشاعه کمی و بعد کالبدی نهاد مسجد ارتباط نداشته و به عبارتی، به ظرفیت‌های فرهنگی آن می‌پردازد، بند «و» است که ناظر به رابطه تنگاتنگ مسجد و مدرسه است.

۴-۵. نهاد مسجد و برنامه پنج‌ساله چهارم

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سال (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، گذشته از تمامی تفاوت‌ها و شباهت‌هایش با سه برنامه اول، دوم و سوم توسعه، وجه متمایز خاصی با برنامه‌های پیشین دارد. این برنامه تقریباً مقارن با ابلاغ سند چشم‌انداز بیست‌ساله تدوین شده و در واقع، اولین گام از چهار مرحله‌ای محسوب می‌شود که جامعه ایران اسلامی را در سال ۱۴۰۴ به آرمان‌ها و اهداف تعیین شده در سند چشم‌انداز نائل می‌سازد. شعار اصلی برنامه چهارم توسعه، رشد پایدار اقتصاد دانایی‌محور و شاخص اصلی آن، محوریت‌یابی گرایش به سمت برنامه‌ریزی از پایین است (نوبخت، ۱۳۹۰: ۳۰۴).

از این دوره مدل سیاست‌گذاری عمومی در ایران دچار تحول می‌شود و قانون برنامه توسعه دارای اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری) و اسناد پایین‌دستی (توسعه‌بخش، فرابخش، تلفیقی و استانی) شد. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه فرهنگ و هنر هم مطمئناً متأثر از این تغییر و تحول، فرایندی متفاوت از گذشته را شاهد است (بیات و دیان، ۱۳۹۰: ۶۵).

فصل نهم برنامه چهارم توسعه، نخستین گام برنامه‌ریزی برای تحقق فرهنگ سازنده و تقویت‌کننده پرورش انسان مطلوب یا شهروندان و جامعه ترسیم شده در سند چشم‌انداز است (امیری، ۱۳۸۸: ۵۲). در این میان، ماده ۱۰۶ فصل نهم (توسعه فرهنگی) در بخش چهارم برنامه (صیانت از هویت و فرهنگ اسلامی - ایرانی) دولت را مکلف کرده است که به‌منظور «تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی»؛ اقداماتی را انجام دهد که بند «ه» «تهیه طرح جامع گسترش فضاها، مذهبی و مساجد توسط سازمان‌های تبلیغات اسلامی و اوقاف و

امور خیریه با همکاری سازمان میراث فرهنگی تا پایان سال اول برنامه چهارم» و بند «ز» «تقویت سهم کتابخوانی در حوزه دین در کشور، خصوصاً مناطق محروم و طراحی کتابخانه حوزه دین در مساجد و سایر اماکن مذهبی»؛ این اقدامات به نهاد مسجد اختصاص یافته است (برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۴).

بنابراین، برخلاف سیر صعودی توجه به مسجد در سه برنامه پیشین و اختصاص یک ماده از برنامه سوم توسعه به نهاد مسجد، برنامه چهارم در این زمینه سیر نزولی داشته و تنها قانون گذار، دو بند از یک ماده (۱۰۶) را به نهاد مسجد اختصاص داده است.

۵-۵. نهاد مسجد و برنامه پنج ساله پنجم

قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) نیز در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. این قانون به عنوان دومین گام در راه تحقق اهداف سند چشم انداز بیست ساله کشور محسوب می شود که مهم ترین اقتضات آن عبارتند از: ۱. محور بودن فرهنگ ناب اسلامی - ایرانی و تغییر ناپذیری اصول و سیاست های حاکم بر آن، ۲. گام نهادن به دهه چهارم انقلاب اسلامی و ضرورت توجه به ویژگی و اقتضات این دوره، ۳. رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص ضرورت تهیه پیوست فرهنگی برای تمام طرح ها و برنامه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و...، ۴. انتظارات و ضرورت های برآمده از ابعاد مهندسی فرهنگ کشور و... (کارگروه تخصصی فرهنگ و هنر برنامه پنجم، ۱۳۸۸: ۱۱).

در این قانون، به منظور توسعه فضاهای مذهبی فرهنگی و بهره گیری بهینه از بقاع متبرکه، گلزار شهدا و اماکن مذهبی و تثبیت جایگاه مسجد به عنوان اصلی ترین پایگاه عبادی و تربیتی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اقدامات زیر انجام باید انجام شود:

۱. وزارت مسکن و شهرسازی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری ها موظفند در شهرک ها و شهرهای تازه تأسیس، اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و خانه عالم پیش بینی و پس از آماده سازی، در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند، ۲. مالکان اماکن تازه تأسیس موظفند نمازخانه مناسبی را در اماکن مذکور احداث کنند، ۳. سازمان جنگل ها، مراتع و آبخیزداری کشور و شهرداری ها موظفند نسبت به احداث یا اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه در پارک های ملی و بوستان های شهری

اقدام نمایند، ۴. کلیه دستگاه‌های اجرایی - آموزشی، بیمارستان‌ها و... اعم از دولتی یا غیردولتی، موظفند نسبت به احداث یا اختصاص و نگهداری فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه اقدام کنند، ۵. وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت موظفند نسبت به احداث، نگهداری و مدیریت مسجد و نمازخانه در پایانه‌های مسافری و جایگاه‌های عرضه سوخت بین شهری از طریق بخش غیردولتی اقدام نمایند، ۶. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است به منظور ارتقای کارکرد فرهنگی و هنری مساجد، برقراری عدالت فرهنگی و ترویج فرهنگ اسلامی و جذب جوانان و نوجوانان به مساجد، تا پایان برنامه، حداقل یک چهارم مساجد شهری و روستاهای بالای هزار نفر جمعیت، برخوردار از کانون فرهنگی و هنری باشند (برنامه پنجم توسعه، ۱۳۸۹).

همچنین در ماده ۹ این برنامه به دولت اجازه داده می‌شود جهت افزایش سرانه استفاده از فضاهای فرهنگی، هنری و ورزشی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه فعالیت فرهنگی و هنری اقداماتی را انجام دهد که بند الف این ماده ناظر به «تأمین حداقل پنج‌جا در صد هزینه تکمیل مراکز فرهنگی، هنری، دینی و قرآنی دارای پیشرفت فیزیکی حداقل پنج‌جا در صد بخش غیردولتی و همچنین احداث اماکن ورزشی همجوار و متعلق به مساجد و کانون‌های فرهنگی ورزشی جوانان بسیج است» (همان).

نگاهی به ماده ۶ و بند الف ماده ۹ برنامه پنجم توسعه، گواه بر وجود همانندی‌های فراوانی میان این برنامه و برنامه سوم در زمینه پرداختن به نهاد مسجد است. در واقع، بسیاری از بندهای ماده ۶ این برنامه، تکرار بندهای ماده ۱۶۳ برنامه سوم است و تنها بند «و» که ناظر به «تجهیز یک چهارم مساجد شهرها و روستاهای بالای هزار نفر به کانون‌های فرهنگی - هنری تا پایان برنامه پنجم است» در برنامه سوم وجود نداشته و مابقی بندها تقریباً شبیه برنامه سوم هستند و حتی بند الف ماده ۹ این برنامه نیز به عنوان تبصره ذیل ماده ۱۶۳ موجود است. بنابراین، نوع نگاه این برنامه نیز همانند برنامه سوم به نهاد مسجد بیشتر به اشاعه کمی و وجه کالبدی اختصاص یافته است تا ابعاد فرهنگی آن.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی شد نوع نگاه به نهاد مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر پیوستار چهار مرحله‌ای سیاست فرهنگی با زاویه دید کلان و نظری و بدون توجه به بُعد عملیاتی و اجرایی این سیاست‌ها - که خود نیازمند پژوهشی مجزا است -

بررسی شود. بنابراین اسناد بالادستی ثابت (قانون اساسی، سند چشم‌انداز و اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) و نظام اندیشگانی امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری در زمینه این نهاد مذهبی، به‌مثابه بُعد نظریه‌پردازی فرهنگی و اسناد بالادستی متغیر (برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به‌مثابه بُعد سیاست‌گذاری فرهنگی واکاوی شده تا رویکرد سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی به نهاد مسجد تبیین شود.

با مذاقه در داده‌های استخراجی از اسناد و با اتکا به اندیشه امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری می‌توان گزاره‌هایی چون «تأکید بر به‌کارگیری و عمق‌بخشی و گسترش وجوه کارکردی نهاد مسجد در امور مختلف»، «بسترسازی جهت استفاده از ظرفیت حداکثری مسجد»، «بازیابی ظرفیت‌های نهفته و مغفول مانده مسجد مبتنی بر الگوی نهادی - ساختاری مساجد در صدر اسلام»، «توجه به زمینه‌مندی و متنی بودن نهاد مسجد در قاموس فرهنگ اسلامی - ایرانی»، «نگاه به نهاد مسجد به‌مثابه یک سنگر و پایگاهی مقاوم جهت حفظ و مانایی کیان اسلام و انقلاب»، «همبسته‌انگاری، پایداری و اشاعه انقلاب اسلامی با پایداری و بالندگی نهاد مسجد»، «انگارش مسجد به‌مثابه نهادی چندساحتی با تأثیرگذاری عمیق در لایه‌ها و شئون گوناگون جامعه»، «تلازم یابی ترویج و تعالی فرهنگ اسلامی و انسانی با حفظ و مداومت شکوفایی نهاد مسجد»، «احصاء شاخصه‌های مسجد تراز اسلامی»، «هم‌نوسازی نهاد مسجد و کارکردهای آن با خصائص و پاسخگویی به نیازهای روز جامعه در عین پایبندی و ابتنا به مسجد تراز اسلامی»، «اتخاذ رویکردی ایجابی - تأکیدی به نقش آفرینی مسجد در ابعاد فرهنگی مختلف» را اساس و بنیان پی‌بندی دستگاه نظری قلمداد نمود که به‌مثابه بُعد نظریه‌پردازی فرهنگی (مرحله اول از پیوستار چهار مرحله‌ای) سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در نوع نگاه به نهاد مسجد تلقی می‌شود و در واقع، مبنای سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه نوع نگاه به این نهاد مذهبی است.

یکی از مهم‌ترین نکاتی که در این زمینه باید به آن توجه داشت، کمبود گزاره‌های نظری در زمینه نوع نگاه به مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی است. در واقع، کم‌توجهی به نهاد مسجد و ظرفیت و کارکردهای آن در ابعاد مختلف و به‌ویژه در بُعد فرهنگی در اسناد ثابت بالادستی و راهبردی که به‌منزله بُعد نظریه‌پردازی فرهنگی در پیوستار سیاست فرهنگی محسوب می‌شوند تا حدی فراوان است. از این رو، طبعاً در صدی از مشکلات موجود در بُعد سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه اهمیت‌یابی نگاه به مسجد را

می‌توان با تأثیرپذیری از کمبود گزاره‌های نظری در این مورد مربوط دانسته و تبیین کرد. همان‌طور که مشخص شد، اصول و بندهای بسیار کمی از قانون اساسی، اصول سیاست فرهنگی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله به صورت مستقیم و یا حتی ضمنی به نهاد مسجد و امور مترتب بر آن اشاره کرده‌اند که با توجه به جایگاه بنیانی مسجد در قاموس اسلام و پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین ظرفیت بالای آن جهت نقش‌آفرینی‌های چندساختی بعد از پیروزی انقلاب، چنین توجهی به این نهاد مذهبی راهبردی شایسته و بایسته نیست.

عدم اشاره مستقیم به نهاد مسجد در برنامه اول توسعه، وجود تنها دو بند معطوف به نهاد مسجد از یک ماده در برنامه دوم، اختصاص یابی یک ماده از برنامه سوم، وجود دو بند درباره نهاد مسجد در ماده ۱۰۶ برنامه چهارم و اختصاص یافتن یک ماده کامل ۶ و نیز یک بند از ماده ۹ به نهاد مسجد در برنامه پنجم توسعه، نمایانگر ضعف خط‌مشی‌گذاری کلان در قالب پنج قانون برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نسبت به نهاد مسجد و استفاده از ظرفیت حداکثری آن به‌ویژه در بخش فرهنگی است.

در واقع، در برنامه سوم و پنجم نیز که بیشترین توجه به نهاد مسجد معطوف شده، تنها یک ماده به این نهاد مهم و حیاتی در جامعه اسلامی اختصاص یافته است. فراتر آنکه این دو ماده (۱۰۶ برنامه سوم و ۶ برنامه پنجم) بیشتر معطوف به اشاعه کمی و وجه کالبدی مسجد بوده و در آنها چندان بعد فرهنگی - علی‌رغم آنکه این مواد در بخش فرهنگی برنامه‌های فوق‌الذکر قرار دارند - مدنظر قرار نگرفته است. بنابراین، در کنار کمبود گزاره‌های نظری و در طول آن با کم‌توجهی در سیاست‌گذاری کلان در زمینه نهاد مسجد و به‌ویژه، وجه فرهنگی آن در قانون‌های پنج‌ساله کشور مواجه هستیم. به عبارتی، علی‌رغم ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه سیاست‌گذاران در برنامه‌های توسعه کشور به فرهنگ، توجهی جدی نکرده و علی‌رغم تمام شعارها، مسئله فرهنگ هیچ‌گاه در ذهن مجریان به دغدغه اصلی کشور تبدیل نشده است. در برنامه‌های توسعه که عملاً برنامه اجرایی کشور در طی بیش از دو دهه گذشته بوده‌اند، فرهنگ همواره در درجه آخر اهمیت پس از اقتصاد و سیاست و... بوده (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲: ۶۸) که مسجد نیز از این بی‌توجهی بی‌نصیب نمانده است.

از سوی دیگر، گذشته از وجود «گزاره‌های نظری محدود» در بُعد نظریه‌پردازی فرهنگی و نیز «گزاره‌های سیاستی محدود» در بُعد سیاست‌گذاری فرهنگی در زمینه نوع

نگاه به مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی - که هر دو آسیبی مهم در این زمینه به شمار می‌روند - عدم حاکمیت‌یابی گزاره‌های نظری بر گزاره‌های سیاستی و به عبارتی، عدم استخراج رویکردهای سیاستی از گزاره‌های نظری در زمینه نوع نگاه به مسجد که در اسناد بالادستی و نظام اندیشگانی امام^(ره) و رهبری وجود دارد؛ یکی دیگر از مشکلات و مسائل مهم در این حیطة است.

چنانکه قریب به اتفاق گزاره‌های نظری معطوف به نوع نگاه به مسجد در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ناظر به ابعاد فرهنگی - اجتماعی - معنوی نهاد مسجد بوده، در حالی که گزاره‌های سیاستی موجود در پنج برنامه توسعه در زمینه مسجد، بیشتر به اشاعه کمی و وجه کالبدی (احداث، تعمیر و نگهداری) آن توجه دارند. هرچند «احداث، تعمیر و نگهداری» مسجد بسیار مهم است، اما عدم توجه به دیگر ابعاد این نهاد مذهبی به‌ویژه در بعد فرهنگی - اجتماعی در گزاره‌های سیاستی کلان موجود، مبین عدم استفاده از ظرفیت‌های حداکثری این نهاد مذهبی در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی است که البته علی‌رغم برداشته شدن گام‌های بسیار مهم در این زمینه، در بطن و متن حیات اجتماعی - فرهنگی جامعه ایران کاملاً مبرهن است. همچنین، عدم جامعیت در رویکردهای سیاستی اتخاذ شده و عدم استمرار آنها در برنامه‌های بعدی، علی‌رغم زمان‌بر بودن سیاست اتخاذ شده، از دیگر آسیب‌ها و مشکلاتی است که در زمینه نوع نگاه به مسجد در قاموس سیاست فرهنگی ایران مبتنی بر داده‌های این پژوهش وجود دارد.

از سوی دیگر، مجموعه نارسایی‌ها و آسیب‌های موجود در بعد نظریه‌پردازی و سیاست‌گذاری فرهنگی در نوع نگاه به مسجد - که در بالا به آن اشاره شد - مبتنی بر سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی می‌تواند در مراحل دیگر پیوستار چهار مرحله‌ای سیاست فرهنگی (برنامه‌ریزی فرهنگی و مدیریت فرهنگی) نیز باز نمود یابد و موجبات ضعف در برنامه‌ریزی و عملیاتی‌سازی سیاست‌ها و کمی و عینی کردن آنها، به‌ویژه در سطوح خرد در مرحله برنامه‌ریزی فرهنگی و ضعف در اجرا و راه‌یابی سلاقی در نحوه اجرای برنامه‌ها به سبب ضعف موجود در تدوین آنها را در مرحله مدیریت فرهنگی فراهم سازد.

می‌توان استنتاج کرد که بی‌مهری به مسجد در دو دهه اخیر، از یک سو و ناکارآمدی این نهاد در حل برخی مسائل فرهنگی و اجتماعی - که طبعاً با ورود کارآمد و فعال نهاد

مسجد به این عرصه‌ها با سهولت بیشتری قابل حل بود - از سوی دیگر، مبتنی بر مجموعه آسیب‌ها و نارسایی‌های موجود در قاموس سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در زمینه نوع نگاه به مسجد قابل تبیین است. از این رو، تنظیم یک الگوی سیاستی جامع و یا به عبارتی، سند راهبردی جامع مسجد با ضمانت اجرایی قوی و در بالاترین سطح حکومتی از یک سو و ایجاد نهادی در چارچوب هدایت و نظارت دولت و با استفاده از پتانسیل مردم و سازمان‌های غیردولتی در زمینه پیگیری، ساماندهی، هماهنگ‌سازی و... نهاد مسجد که با رویکردی جامع و در تمامی ابعاد به این نهاد مذهبی پردازد، می‌تواند در برون‌رفت از این آسیب‌ها و نارسایی‌ها و مبدل‌سازی نهاد مسجد به نهادی پویا، کارآمد، کانونی و تأثیرگذار و با بهره‌گیری از ظرفیت حداکثری آن در ابعاد مختلف در بطن و متن حیات اجتماعی مؤثر باشد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۷۶). طرح گزارش فرهنگی کشور، گزارش اول مبانی نظری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز آمار و برنامه‌ریزی پژوهش‌های فرهنگی و هنری.
۲. آزاد ارمکی، تقی، نوح منوری (۱۳۸۹). «ارائه مدلی برای تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۰: ۷۵-۴۷.
۳. آزاد ارمکی، تقی، نوح منوری (۱۳۹۱). «تحلیل محتوای سیاست‌های فرهنگی ایران، براساس قانون اساسی، سند سیاست‌های فرهنگی و برنامه پنجم توسعه»، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال اول، شماره سوم، تابستان: ۳۷-۷.
۴. اکبری، محمدعلی (۱۳۸۱). «تجرباتی از برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰»، فصلنامه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۳۳.
۵. امام خمینی (ره)، روح‌الله (۱۳۷۱). صحیفه نور، تهران: نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. امیری، مجتبی (۱۳۸۸). «جایگاه فرهنگ در اسناد و برنامه‌های توسعه (به‌ویژه سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی)»، سوره اندیشه، شماره ۴۳: ۵۳-۵۰.
۷. بیات، مجید، دیان جانباز (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی مبانی و فرایند سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
۸. توکلی، مهران (۱۳۸۷). «جهانی‌شدن و سیاست‌های فرهنگی جهان سوم»: <http://www.rasekhoon.net/article/show/126315>.
۹. جوان آراسته، حسین (۱۳۸۶). «کارکرد مسجد در حکومت نبوی»، حکومت اسلامی، شماره ۴۳: ۱۵۲-۱۳۸.
۱۰. حاج‌علی اکبری، محمدجواد (۱۳۹۲). «قانون اساسی در حوزه مساجد کم‌ماده است/مجلس قانون جامعی درباره مساجد مصوب کند»، خبرگزاری تسنیم: <http://www.tasnimnews.com/Home/Single/122353>.
۱۱. سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۶۸). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۰)، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه.
۱۲. سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۷۴). قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸)، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه.
۱۳. سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۷۹). قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳)، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه.
۱۴. سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۸۴). قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه.
۱۵. سازمان برنامه‌وبودجه (۱۳۸۹). قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، تهران: سازمان برنامه‌وبودجه.
۱۶. ساسان، جعفر (۱۳۸۶). «نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی»، مجموعه سخنرانی‌ها و

- ۶، قم: انتشارات ثقلین.
۱۷. سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ (۱۳۸۲).
۱۸. شایگان، فریا (۱۳۸۹). تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۹. شریف‌زاده، فتاح، سیدمهدی الوانی، بهروز رضایی منش، مجید مختاریان‌پور (۱۳۹۲). «موانع اجرای سیاست‌های فرهنگی کشور طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه: بررسی تجربیات مدیران»، اندیشه راهبردی مدیریت، شماره ۱۳: ۷۸-۳۳.
۲۰. شریفی، سیدعلیرضا، عبدالرضا فاضلی (۱۳۹۱). «واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی (آسیب‌ها و راهبردها)»، مجلس و راهبرد، شماره ۶۹: ۹۰-۵۵.
۲۱. شکیبانی، مهدی (۱۳۸۵). نگرشی به ابعاد برنامه‌ریزی مهندسی فرهنگی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۲۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۱). اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب جلسه شماره ۲۸۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ ۷۱/۵/۲۰.
۲۳. صادقی، سهیلا، پویا دریس (۱۳۹۳). نقش نهاد مسجد در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
۲۴. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۷). مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۵. صالحی امیری، سیدرضا و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). «مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۶. صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و قاسم زائری (۱۳۸۹). «بررسی گفتمان‌های فرهنگی پسا انقلابی و روندهای چهارگانه مؤثر بر سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی»، پژوهشنامه (سیاست فرهنگی)، مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۵۴: ۳۸-۹.
۲۷. عباسی، ابراهیم الف (۱۳۸۷). «نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای»، فروغ مسجد، جلد ۵، قم: مؤسسه فرهنگی ثقلین.
۲۸. عباسی، رسول ب (۱۳۸۷). «تدوین الگوی مدیریت اثربخش نهادهای دینی؛ مطالعه موردی مسجد»، فصلنامه مجموعه سخنرانی مدیریت اسلامی، هیئت مروجان رهبری و مدیریت اسلامی، شماره دوم.
۲۹. عبدالملکی، حسین (۱۳۹۲). «رهیافتی به چالش‌های موجود در پیوستار سیاست‌های فرهنگی در ایران: از نظریه‌پردازی تا اجرا»، مجموعه خلاصه مقالات دومین همایش کنکاش‌های مفهومی و نظری درباره جامعه ایران، تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۳۰. عسگری، علی (۱۳۸۸). درآمدی بر کارنامه فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران: کانون اندیشه جوان.
۳۱. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۷). «مسجد و مدرنیته: مروری تحلیلی و جامعه‌شناختی به گفتمان‌های مسجد در ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی «ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی»، شماره ۱: ۹۹-۱۳۲.

۳۲. فرمیتهنی فراهانی، محسن (۱۳۸۷). «بررسی راهکارهای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ در زمینه فرهنگ ایشار و شهادت»، اصفهان: همایش ملی ترویج فرهنگ ایشار و شهادت.

۳۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با رعایت اصلاحات ۱۳۶۸).

۳۴. قربانی، علی حسین (۱۳۸۳). بررسی اصول و مبانی مدیریت فرهنگی، تهران: کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳۵. کارگروه تخصصی فرهنگ و هنر برنامه پنجم (۱۳۸۸). «مهم‌ترین وظایف بخش فرهنگ در نظام برنامه‌ریزی: توسعه فرهنگی و گسترش فرهنگ توسعه»، هفته‌نامه برنامه، شماره ۳۱۷: ۱۱-۲۲.

۳۶. مجیری، ع. و ف. لمسه‌چی (۱۳۹۱). «بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد»:

<http://www.masjed.ir/fa/article/3> .

۳۷. محمدی، مجید (بی‌تا). «مسجد و جامعه»، مسجد ساحل دل‌های فیروزه‌ای، بی‌جا.

۳۸. مهدی پور، فرشاد (۱۳۹۳). «ریشه‌یابی فکری فرهنگی برنامه‌های توسعه در ایران پس از انقلاب اسلامی»، تهران: کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۳۹. موظف رستمی، محمدعلی (۱۳۸۱). آیین مسجد، تهران: گویه اول.

۴۰. نظری، علی اشرف، علی حسن‌پور (۱۳۹۱). «مسجد و فرایندهای فرهنگی قدرت در نظام جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴: ۸۷-۱۱۱.

۴۱. نوبخت، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۰). «ارزیابی روند توسعه ایران در سده اخیر با تأکید بر نظریه آشوب و نظریه بازی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹، تابستان: ۳۱۷-۲۷۱.

۴۲. هیلن براند، رابرت (۱۳۷۶). پیدایش مساجد سرزمین‌های اسلامی در سده‌های نخستین، ترجمه بهاره کیانی، شماره ۳۳: ۴۷۹-۴۴۶.

ب) منابع لاتین

1. Girard, Aguotion (1983). Cultural Development: Experiences and Pokicies 2nd, Purio Uneoci.
2. McDaniel, Tim (1991). Autocracy, Modernization, and Revolution, in Russia and Iran. Princeton, NJ: Princeton University Press.